



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت و گوی
صبا با احمدرضا
حجاززاده، کارگردان
نمایش «جوادیه»

تئاتر واقع گرا با چاشنی سوررئال

«دایی سعید» دیده بودم، برای بازی در «جوادیه» دعوت کردم که خوش بختانه هم بسیار محترم و مسئولیت پذیر و با اخلاق بودند، هم استعداد و تبحر کافی در بازیگری داشتند و اکنون از بازی هر چهار بازیگر نمایش، راضی ام.

تولید نمایش «جوادیه» چه چالش هایی برای خودتان داشت؟

من سال ها بود دوست داشتم کارگردانی تئاتر را تجربه بکنم و نمی شد! قبلاً سه تجربه کارگردانی نمایش نامه خوانی داشتم که موفق بودند و بازخوردهای خوبی از تماشاگران گرفته بودم اما کارگردانی نمایش صحنه ای، کاملاً با نمایش نامه خوانی متفاوت و بسیار سخت تر بود. من در پروسه تولید این نمایش، چیزهای زیادی آموختم. طبیعی بود که به عنوان کار اول صحنه ای، با چالش های فراوانی روبه رو بشوم، ولی سرسختانه مقابل آنها ایستادم و کار را به سرانجام رساندم. ما اسفندماه سال قبل شروع به تولید کردیم و ابتدا یکی از سالن های دولتی به ما قول صددرصد برای اجرا داد. من هم روی قول شان حساب کردم و گروه را تشکیل دادم. حتی تهیه کننده ای پیدا کردم که هزینه های کار را تأمین می کرد. قرار بود از ۱۸ خرداد ماه امسال اجرا برویم اما مشکلات متعددی، نوبت اجرای «جوادیه» را به تأخیر انداخت. بالاخره زمانی که از هر نظر آماده اجرا بودیم، جنگ ۱۲ روزه پیش آمد و بعد هم که شرایط نسبتاً عادی شد، سالی که قول اجرا به ما داده بود، بدقولی کرد و با بهانه های واهی فرصت اجرا را از ما گرفت. هم زمان با تهیه کننده کار هم به مشکل برخوردیم و ایشان ما را تنها گذاشتند. بنابراین مجبور شدیم با هزینه شخصی و در یک سالن خصوصی با شرایط ویژه ای اجرا برویم که طبیعتاً با ایده آل های ما برای اجرا، فاصله زیادی داشت. البته باید این جا تشکر ویژه ای بکنم از آقای حسین کشفی اصل (بازیگر و کارگردان تئاتر) که از آغاز شکل گیری پروژه «جوادیه»، کنارم بودند و برادرانه از هیچ راهنمایی و کمکی در تولید این نمایش دریغ نکردند.

استقبال مخاطبان از اجرا چطور بوده؟

خدا را هزاران بار شکر می کنم که از اولین اجرا تاکنون، تمام تماشاگران با نمایش «جوادیه» ارتباط خوبی گرفته و آن را دوست داشته اند. اغراق نمی کنم، ولی باعث خوشحالی و افتخار است که پس از ده اجرا، هنوز حتی یک نظر منفی درباره نمایش مان نشتیده ایم. هرچند که برخی تماشاگران حرفه ای و اهل فن، پیشنهادهایی برای بهتر شدن کار داشتند اما همان افراد هم اعتراف کردند از تماشای اجرای «جوادیه» لذت برده اند.

این شب ها در سالن شماره ۷ بوتیک هنر ایران نمایشی با نام «جوادیه» به نویسندگی «کهدید تاراج» و کارگردانی «احمدرضا حجاززاده» روی صحنه است که با استقبال خوب علاقه مندان تئاتر روبه رو شده. حجاززاده با بیش از دودهمه سابقه فعالیت مطبوعاتی در سمت روزنامه نگار و منتقد فرهنگ و هنر، این نمایش را پس از کارگردانی چند فیلم کوتاه و نمایش نامه خوانی، به عنوان اولین اثر رسمی خود به صحنه آورده است. مجری طرح «جوادیه»، حسین کشفی اصل بوده و صادق فخاری، هلیا خادم، شایان طرکه و امیرعباس حیدری بازیگران این اثر نمایشی هستند. در خلاصه داستان نمایش «جوادیه» آمده: «شهر شده قبرستون! ما همه یه قبر متحرکیم! چند سال بده که مرگ می شه آرزوی اول و آخرمون». به بهانه اجرای این نمایش، گفت و گویی با کارگردان آن داشتیم.

مینا بیروزیان

گفت و گو

رنالیستی دارد، ولی به لحاظ اتفاقی که در قصه می افتد، کمی به سوررئال نزدیک می شود، چون ما با اشخاصی روبه روییم که زنده نیستند و از دنیای مردگان برای بازگویی سرنوشت شان به دنیای امروز ما آمده اند. با وجود این، تلاش کردم حس و حال زندگی واقعی را در کارگردانی هر اپیزود اجرا بکنم.

برای انتخاب بازیگران با چه مسائلی و حاشیه هایی مواجه بودید؟

انتخاب بازیگران، ماجرای پیچیده و پردردسری داشت. من از اوایل سال گذشته با یک بازیگر زن برای نقش مرجان صحبت کرده بودم که به مرور و با شناخت بیشتر از او، متوجه شدم انتخاب درستی نبوده. بنابراین ایشان حذف شدند و وقتی تولید نمایش جدی تر شد، بازیگرانی را که طی سال ها فعالیت روزنامه نگاری ام به عنوان منتقد تئاتر شناخته بودم، مرور و تعدادی را انتخاب کردم. بین سه بازیگر مرد، صادق فخاری و شایان طرکه هر دو از شاگردان آقای محمد میرعلی اکبری (کارگردان مطرح تئاتر) بودند که بازی آنها را در نمایش های «مرغ دریایی» و «دایی سعید» دیده بودم و شک نداشتم بازیگران خوب و کاربلدی هستند. امیرعباس حیدری را به واسطه فعالیت هایش در مقام دستیار کارگردان و مدیر روابط عمومی نمایش های مختلف می شناختم اما می دانستم سابقه بازیگری هم دارد. ضمن این که از لحاظ ظاهری برای کاراکتر سیف الله مناسب بود. برای انتخاب بازیگر زن، ابتدا خانمی که هیچ سابقه ای در عرصه هنر و بخصوص بازیگری نداشت، برحسب علاقه فردی به گروه ما پیوست. او ابتدا دستیار کارگردان بود و بعد به عنوان بازیگر با ما همراه شد. ابتدا گمان می کردم انتخاب درستی برای نقش مرجان است، ولی کم کم متوجه شدم متأسفانه بسیار مدعی و متوهم است و حتی در تمرین ها مدام حاشیه ایجاد می کرد. بنابراین پس از چند ماه تمرین، مجبور شدم او را از گروه اخراج بکنم و خانم هلیا خادم را، که ایشان هم از شاگردان استاد میرعلی اکبری بودند و بازی خوبش را در نمایش

چرا اسم این تئاتر، «جوادیه» است؟

نویسنده نمایشنامه «جوادیه»، آقای کهدید تاراج، این متن را سال ها پیش نوشته و خودش هم کارگردانی کرده بود. گویا ایشان تعلق خاطری به آن محله دارند و در واقع با نوشتن این متن، به محله جوادیه ادای دین کرده اند اما نمایش نامه «جوادیه» بیش از آن که درباره خود محله باشد، روایت سرنوشت چهار نفر از ساکنان جوادیه در دهه شصت است که هر کدام به نحوی در زندگی ناکام مانده اند و تماشاگر این نمایش، از طریق روایت آنها با فرهنگ و روحیه و رفتار اهالی محل آشنا می شود.

چرا چنین نمایش و موضوعی را برای آغاز کارگردانی انتخاب کردید؟

دو دلیل اصلی برای انتخاب این نمایش نامه داشتم. اول آن که مضمون حرف های چهار شخصیت نمایش برای خودم ملموس و دغدغه بود و کاملاً درک شان می کردم، یعنی با بخشی از رفتار و گفتار هر کدام از کاراکترها به نحوی دیگر و در محله ای دیگر زندگی کرده بودم. آنها برایم ناآشنا و گنگ نبودند. مثلاً وقتی «شهرام» می گوید «من نه لاتم، نه الوات. کاسیم، کاسب» دقیقاً می فهمم چه می گوید و حتی خواننده مورد علاقه او، خواننده مورد علاقه من است. همچنین «مرجان» که عاشق شعر و کتاب است، شباهت زیادی به خودم دارد که بسیار اهل شعر و کتاب هستم! یا «سیامک» که عاشق فیلم و سینماست، انگار مدل دیگری از من است، چون من هم از کودکی با فیلم و سینما بزرگ شده ام و حتی سعی کردم فیلم سازی را تجربه بکنم که در نتیجه چهار فیلم کوتاه ساختم و همچنان برای ورود به سینمای بلند تلاش می کنم. دلیل دوم این که در فضای تئاتر، عاشق متن های واقع گرا هستم. بیشترین نمایش هایی که در زندگی ام دیده و لذت برده ام، آثار رئالیستی بوده اند، مثل نمایش «قصه ظهر جمعه» اثر محمد مساوات. متن «جوادیه» گرچه ظاهراً ساختار و روایتی

